

فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، پیاپی ۴؛ ص ۱۰۵-۱۲۶

نقش و عملکرد اتحاد جماهیر شوروی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

رضا شاهقلیان قهفرخی

مدرس و پژوهشگر دانشگاه امام حسین (ع)

(دریافت: ۹۶/۰۳/۲۷، پذیرش: ۹۶/۰۵/۲۰)

چکیده

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول سیاست خارجی به صراحت مندرج شده است. از این اصول می‌توان به اصل نه شرقی نه غربی اشاره کرد. بر مبنای اصل نه شرقی نه غربی، ایران هر گونه وابستگی به دو ابرقدرت وقت یعنی آمریکا و شوروی را نفی می‌کرد و در موضع‌گیری‌ها و سیاست خارجی خود بر استقلال عمل خود تأکید می‌کرد. اما با توجه به این مقدمه می‌توان هدف از این مقاله را بررسی نقش و عملکرد شوروی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران عنوان نمود. با توجه به ماهیت عنوان و در مسیر پاسخگویی به پرسش این مقاله، در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی جهت بررسی موضوع استفاده شده است و از نظر نوع تحقیق در دسته پژوهش‌های نظری-کاربردی قرار دارد. روش و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی و منابع اینترنتی می‌باشد. با تجزیه و تحلیل و پاسخ به پرسش این مقاله، که عبارت است از «نقش و عملکرد شوروی به عنوان یکی از ابرقدرت‌های وقت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران چه بوده است؟» می‌باشد، می‌توان اینگونه پاسخ داد که که عامل اصلی برپایی جنگ بین ایران و عراق بحث دو ابرقدرت بزرگ به نام غرب و شرق بودند که انقلابی را که در ایران شکل گرفته بود را تهدیدی بزرگ برای اهداف خود می‌دیدند، بنابراین به واسطه عراق وارد جنگ با ایران شدند و نیز روابط خارجی ایران و شوروی در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ را می‌توان در سه دوره مشخص توصیف نمود: ۱- سه سال اول جنگ تحمیلی؛ ۲- از آزادسازی خرمشهر تا به قدرت رسیدن گورباچف؛ ۳- از زمان گورباچف تا پایان جنگ تحمیلی، که در این مقاله به تحلیل آن‌ها پرداخته شد. نتایج تحقیق نشانگر آن است که این کشور همواره در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران چه به لحاظ دو جانبه و چه به لحاظ بین‌المللی از مهم‌ترین کشورهای تلاش‌کننده برای پایان دادن به جنگ و خونریزی محسوب می‌گردید.

کلید واژه‌ها: شوروی، ابرقدرت، جنگ عراق علیه ایران، دفاع مقدس.

مقدمه

روز ۳۱ شهریور یادآور شروع جنگ تحمیلی و حمله همه جانبه رژیم بعث عراق به سرکردگی صدام علیه جمهوری اسلامی ایران است که ملت غیور ایران با توجه به مصداق آیه ۶۰ سوره انفال قرآن کریم، با تمام قوا جلوی آن‌ها ایستادند. حدود ۲۰ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود و دولت نوپای جمهوری اسلامی ایران مشغول بازسازی سازمان‌ها و تشکیلات دولتی بوده و نیروهای مسلح هنوز سازماندهی و آمادگی کاملی برای مقابله نداشتند. در چنین موقعیتی میهن اسلامی مورد هجوم استکبار و مزدوران منطقه‌ای واقع شد. جنگ ایران و عراق در زمانی اتفاق افتاد که در نظام بین‌الملل دوقطبی، جنگ سرد در جریان بود. در چنین شرایطی هر گونه تغییر و تحولی در سطح کشورهای جهان با واکنش‌هایی از سوی دو ابرقدرت مواجه می‌شد.

با آغاز جنگ ایران و عراق، مسکو در پشتیبانی از متحدی که سر به عصیان گذاشته و به ابزار امپریالیست بدل گشته بود و یا در حمایت از انقلابی "ضد امپریالیستی" اما نامهربان، سرکش و نافرمان، دچار تردید شد. عراق کشوری که پیمان دوستی سال ۱۹۷۲ آن را به شوروی وصل می‌کرد؛ دیگر آن متحد وفادار گذشته نبود. شواهد بسیاری از گرایش بغداد به غرب و دوری از مسکو وجود داشت؛ روابط نزدیک به اردن، ایجاد روابط حسنه با عربستان سعودی و مهم‌تر از همه متلاشی کردن حزب کمونیست عراق و اعدام بیش از صد نفر از اعضای آن و محکومیت شدید تجاوز شوروی به افغانستان همگی نشانه تیرگی روابط بین بغداد - مسکو بود. با وجود این، اختلاف نظر دو کشور لطمه‌ای به روابط آن‌ها نزد و هر دو دولت تلاش کردند مناسبات خود را حفظ کنند. عراق به سبب وابستگی ساختار ارتش و نیازمندی به تسلیحات و ادوات نظامی، قادر به قطع کامل روابط با شوروی نبود و مسکو نیز تمایلی به از دست دادن تنها متحد خود در حاشیه خلیج فارس را نداشت، مگر اینکه متحدی با موقعیت جغرافیایی بهتر و دربردارنده منافع بیشتر - مثل ایران - جایگزین آن شود.

ایران به عنوان یکی از کشورهای متحد غرب و دارنده موقعیت راهبردی در منطقه، شاهد انقلاب ضد آمریکایی بود که دستاوردهای مهمی برای مسکو به همراه داشت. این انقلاب با فروپاشی پیمان مرکزی (سنتو)، کمربند امنیتی غرب را به دور شوروی گسست. مسکو نگران بود که فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی غرب، بار دیگر ایران را به دامن آمریکا بازگرداند و به تثبیت موقعیت ایالات متحده در منطقه منجر گردد اما این امیدواری هم وجود داشت که انقلاب ایران همانند انقلاب کوبا از شدت فشارهای غرب به آغوش ابرقدرت شرق پناه آورد. همه این عوامل، چشم‌انداز روشنی از مناسبات بین مسکو و تهران را متصور می‌ساخت. در عین حال واقعیت بسیار پیچیده‌تر از آن بود که تصور می‌رفت. نظام انقلابی ایران نه تنها سر سازش نداشت بلکه با

سیاست نه شرقی و نه غربی خود سیاست‌های نادرست شوروی و آمریکا را به یک اندازه محکوم می‌کرد و به مقابله با آنها برمی‌خاست.

با اشغال افغانستان توسط قوای شوروی، سیاست ضد شوروی ایران به شدت افزایش یافت. تهران، تجاوز به افغانستان را به شدت محکوم کرد و از شوروی به عنوان "شرق تجاوزگر" یاد کرد. بر اساس چنین ملاحظاتی، وقوع جنگ ایران و عراق سیاست خارجی شوروی را در موقعیت ناخوشایندی قرار داد. از جهتی حمایت از عراق می‌توانست زمینه‌های هر گونه بهبود مناسبات با بزرگ‌ترین کشور منطقه را از بین برده و جمهوری اسلامی ایران را به جهت نیازهای تسلیحاتی و تدارکاتی بار دیگر به آغوش آمریکا بازگرداند. از سوی دیگر، پشتیبانی از انقلابی که منافع شوروی را در منطقه تهدید می‌کرد، به از دست رفتن تنها متحد مسکو در حاشیه خلیج فارس منجر می‌شد، بدون اینکه چشم‌انداز روشنی از ظرفیت نفوذ ابرقدرت شرق در ایران موجود باشد. افزون بر این، از نظر مسکو، پیروزی هر کدام از طرفین در جنگ نتایج نامطلوبی به بار می‌آورد. پیروزی عراق، نتیجه‌ای جز فروپاشی حکومت و شکست انقلاب ایران در پی نداشت که این امر نیز به تثبیت موقعیت آمریکا در ایران و منطقه منجر می‌گشت. پیروزی ایران نیز، انقلاب اسلامی را به چنان نیرویی مبدل می‌ساخت که توازن در خاورمیانه را بر هم زده، مانعی جدی بر سر راه نفوذ شوروی در منطقه به وجود می‌آورد.

بیان مسئله

با گذشت چندین سال از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، هنوز در ابتدای راه پر فراز و نشیب پژوهش پیرامون ابعاد مختلف این موضوع هستیم. جنگی که هدف آن از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) واژگون ساختن نظام انقلابی حاکم بر ایران توسط دو ابرقدرت غرب و شرق بود (درودیان، ۱۳۸۳: ۱۵). حضرت امام خمینی (ره) پیرامون جنگ و معرفی دشمنان ایران فرمودند: «ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم» (صحیفه امام (ره)، ۱۳۸۷: ۲۸۳). مقام معظم رهبری نیز با درک روشن از هدف جنگ عراق علیه ایران فرمودند: «این جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران و به منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی سازماندهی شد» (آیت‌ا... خامنه‌ای، ۱۳۶۸: ۱). آمریکا و شوروی به عنوان دو ابرقدرت وقت جهان و اعضای دائم و تأثیرگذار در شورای امنیت سازمان ملل متحد که حافظ امنیت جهان بوده و الزاماً باید نقش ویژه‌ای در پایان دادن به جنگ ایران و عراق ایفاء می‌کردند. اما با توجه به این جایگاه حقوقی و عملکرد آنها در بحران‌های گذشته از قبیل

بحران کوبا که نزدیک بود جهان را به کام یک جنگ جهانی دیگر نزدیک کند و یا جنگ اعراب و اسرائیل که موجب یک بحران نظامی در خاورمیانه و یک بحران اقتصادی و نفتی در جهان شد و همچنین حمله نظامی ایالات متحده آمریکا به ویتنام که خود باید حافظ صلح و امنیت جهانی باشد، نمونه‌ای از بحران‌ها پس از جنگ جهانی دوم است که آمریکا و شوروی با عنوان بازیگران سازمان ملل نه اینکه نقش مهمی را در پایان دادن این بحران‌ها یا جلوگیری از وقوع چنین بحران‌هایی ایفاء نکردند، بلکه خود عامل اصلی برخی از آن بحران‌ها بوده‌اند. حال سؤال این است که در جنگی که کشور عراق علیه ایران تحمیل کرده است، شوروی چه نقشی را به عنوان یکی از دو ابرقدرت بزرگ ایفاء نموده است؟ به عبارت دیگر دغدغه نویسنده این مقاله در راستای انجام این پژوهش، بررسی نقش و عملکرد شوروی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌باشد، تا با تحلیل عملکرد این ابرقدرت وقت، بتوان از زاویه دیگر به دفاع مقدس و جنگ تحمیلی نگاه کرد و به بررسی آن پرداخت و نیز با بررسی شواهد و قرائن، استراتژی اتحاد شوروی در قضیه جنگ تحمیلی را تبیین و عملکرد این کشور را در طول هشت سال جنگ مذکور مورد بازبینی قرار داد.

هدف از تحقیق

با توجه به موضوع مطرح شده و با نظر به اینکه تعداد زیادی از کشورهای جهان در جریان جنگ تحمیلی ایفاگر نقش بوده‌اند، می‌توان هدف از این تحقیق را، بررسی شواهد و قرائن پیرامون عملکرد و نقش اتحاد جماهیر شوروی در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بیان نمود.

پرسش تحقیق

نقش و عملکرد شوروی به عنوان یکی از ابرقدرت‌های وقت، در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران چه بوده است؟

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق، در این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی جهت بررسی موضوع استفاده شده است و از طریق تحلیل نقش و عملکرد شوروی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به بررسی پرسش تحقیق پرداخته است. روش توصیفی-تحلیلی عبارت است از اینکه محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها فراهم می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۴: ۷۱). روش و ابزار گردآوری

اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی و منابع اینترنتی می‌باشد. بنابراین در این روش با مطالعه چندین کتاب، فصلنامه تخصصی، مقالات و تحقیق دیگر پژوهشگران به شیوه فیش‌برداری و جستجو در فضای اینترنت اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردیده و سعی شده است، تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی صورت پذیرد و به پرسش تحقیق پاسخ مناسبی داده شود.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۱- مفهوم شناسی

دفاع مقدس: به مجموعه مجاهدت‌ها، حماسه‌ها، پایمردی‌ها و فعالیت‌های متنوعی که ملت شریف و مسلمان ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال (۲۸۹۶ روز) در برابر تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران اسلامی انجام داده‌اند و در این امتحان الهی سربلند و پیروز بیرون آمدند دوران دفاع مقدس می‌گویند (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۴۶).

جنگ: حالت زدو خورد مسلحانه عمدی میان کشورها، ملت‌ها یا گروه‌های دشمنی (صدری، ۱۳۸۱: ۴۴۴) و یا مترادف با واژه نبرد، حرب، پیکار، زدو خورد، جدال، مبارزه، رزم (رستمی، ۱۳۷۸: ۳۲۹) آورده شده است (شاهقلیان قهفرخی، ۱۳۹۵: ۵).

جنگ تحمیلی: به هشت سال جنگ استکبار به دست عراق علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گفته می‌شود که حضرت امام (ره) آن را به دفاع مقدس تعبیر نمودند (رمضانی، ۱۳۹۴: ۶۹).

شوروی: اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی یا به طور خلاصه شوروی، کشوری بود متشکل از روسیه و چندین جمهوری متحد، که از زمان تأسیس در سال ۱۹۲۲ تا زمان انحلال در سال ۱۹۹۱ بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را دربر می‌گرفت و پهناورترین کشور جهان شناخته می‌شد (از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد).

۲- نگرش اندیشمندان پیرامون نقش ابرقدرت‌ها (شوروی و آمریکا) در جنگ عراق علیه

ایران

الف- نگرش آنتونی کوردزمن^۱ درباره جنگ ایران - عراق:

کوردزمن بیش از هر نظریه‌پرداز دیگری نسبت به تحولات تغییر موازنه قدرت در غرب آسیا حساسیت دارد و در صدد تبیین نشانه‌های رفتاری بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس معادله

۱- آنتونی کوردزمن مدیر مؤسسه بررسی‌های استراتژیک در آمریکا است. بررسی‌های نظامی به ویژه در خاورمیانه در حوزه تخصص اوست. وی مقالات و کتاب‌های متعددی را در زمینه تحولات نظامی و جنگ ایران و عراق منتشر کرده که عمده آن‌ها ترجمه شده است.

قدرت است. وی هر گونه تحول ژئوپلتیکی و دگرگونی در معادله قدرت بازیگران مختلف را یکی از عوامل تأثیرگذار بر جنگ ایران و عراق می‌داند. ادبیاتی که کوردزمن منتشر کرده عمدتاً تبیین‌گر این موضوع است که اتحادیه شوروی و آمریکا مخالف تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای بودند. آنان اقدامات متعددی را برای ایجاد موازنه و مقابله با نیروی انقلابی تأثیرگذار بر منطقه به انجام رسانند. اتحاد شوروی و آمریکا زمانی که عراق در وضعیت تهاجمی قرار داشت هیچ‌گونه مانعی برای تحرک منطقه‌ای وی به وجود نیاوردند. از سوی دیگر آنان در شورای امنیت سازمان ملل به گونه‌ای غیر مستقیم از کشور عراق و اقداماتی که آن کشور علیه جمهوری اسلامی ایران به انجام رساند، حمایت کردند. شکل‌گیری چنین حمایتی از موضع مشترک آمریکا - شوروی برای ایجاد موازنه در محیط منطقه‌ای ناشی بوده است (Cordesman and Wagner, 1990: 279).

ب- نگرش فرانسیس بویل درباره جنگ ایران - عراق:

حوزه مطالعات تخصصی فرانسیس بویل موضوعات حقوق بین‌الملل است. وی جنگ ایران و عراق را در چارچوب چنین شاخص‌هایی تحلیل کرده است. او قبلاً تلاش نمود تا موضوع تسخیر سفارت آمریکا را به دست دانشجویان پیرو خط امام (ره) در چارچوب اقدام پیشگیری کننده ایران مورد تحلیل قرار دهد. بر اساس منشور ملل متحد هر گونه اقدام متقابل که برای مقابله با تهدید باشد، نشانه‌ای از قاعده حقوقی اقدام پیشگیری کننده محسوب می‌شود. بنابراین، کشوری که مبادرت به کنشگری مقابله جویانه می‌نماید چنین اقداماتی را می‌تواند بر اساس شاخص‌ها و نشانه‌های تدافعی با تهاجم به انجام رساند. با توجه به مطلبی که فرانسیس بویل منتشر کرده است، واکنش ایران برای تسخیر سفارت آمریکا و همچنین تعقیب متجاوز بعد از عملیات بیت‌المقدس در زمره اقداماتی است که با منشور ملل متحد هماهنگی و همگونی خواهد داشت. به عبارت دیگر، وی کوشید تا روندی را تبیین نماید که از یک سو، در جهت مشروعیت بخشیدن به اقدام ایران برای تعقیب متجاوز بود و از سوی دیگر، موضوع بی‌طرفی آمریکا و اتحاد شوروی را مورد انتقاد قرار داد. وی شواهدی ارائه کرد که بر اساس آن، اقدامات آمریکا نه تنها بر اساس حمایت مؤثر و مستقیم از عراق بود، بلکه سیاست آمریکا را در جهت حمایت از کشور متجاوز می‌دانست (Boyle, 1993: 62).

ج- نگرش انوشیروان احتشامی درباره جنگ ایران - عراق:

انوشیروان احتشامی در زمره تحلیل‌گران مسائل غرب آسیا در دانشگاه دورهام انگلیس است. وی تاکنون مقالات و کتاب‌های زیادی را درباره سیاست خارجی ایران، جنگ ایران و عراق و امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه و خلیج فارس منتشر کرده است. مطالعات احتشامی ماهیت توصیفی دارد. وی بر این اعتقاد است که جنگ علیه ایران واکنش اجتناب ناپذیر سیاست بین‌الملل به انقلابی

محسوب می‌شود که می‌توانست ثبات و تعادل غرب آسیا را دگرگون نماید. موضوع صدور انقلاب و همچنین سیاست خارجی نه شرقی - نه غربی را می‌توان نشانه‌ای از رادیکالیسم، انقلابی‌گری و تلاش برای به‌کارگیری سیاست تغییر وضع موجود دانست. کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین آمریکا و شوروی بر این اعتقاد بودند که باید زمینه‌های مقابله با ایران را به وجود آورد. به همین دلیل آن‌ها برای مقابله با ایران سیاست حمایت از عراق را در پیش گرفتند (احتشامی، ۱۳۷۸: ۹۸).

د- نگرش رونالد آسموس درباره جنگ ایران - عراق:

نظریه‌پردازی درباره جنگ ایران و عراق یکی از دغدغه‌های تحلیل‌گران موضوعات غرب آسیا در دهه ۱۹۸۰ محسوب می‌شود. آسموس در زمره پژوهشگران مؤسسه خاورمیانه واشینگتن بود که می‌کوشید تا تحلیل جدیدی از روابط ایران، بلوک شرق و غرب و واحدهای سیاسی خاورمیانه تبیین کند. جنگ علیه ایران را می‌توان موضوع اصلی همکاری میان چنین کشورهایی دانست.

از نظر آسموس، ساختار نظام بین‌الملل باید به گونه‌ای طراحی شود که محیط بحرانی را کنترل نماید و امکان تعامل بازیگران مختلف را برای مقابله با نیروهای ضد نظام به وجود آورد. از دیدگاه آسموس جمهوری اسلامی ایران با قواعد دوقطبی (شوروی و آمریکا) مخالف بود. به همین دلیل است که زمینه شکل‌گیری اجتماع استراتژیک علیه آن به وجود آمد. زمانی که نظام بین‌الملل قدرت کنترل مؤثری داشته باشد، به طبع در آن وضعیت از تلاش‌های سازمان یافته برای کنترل نیروهای انقلابی بهره خواهد گرفت. این امر انعکاس واکنش ساختار در برابر نیروهای سیاسی و اجتماعی رادیکال محسوب می‌شود (متقی، ۱۳۸۸: ۴۲).

ه- نگرش مایکل آژاری درباره جنگ ایران - عراق:

هر گونه تحول منطقه‌ای و بین‌المللی در نگرش ساختاری، تحت تأثیر نیروهای بین‌المللی قرار می‌گیرد. آمریکا، اتحاد شوروی و کشورهای اروپایی را می‌توان در زمره واحدها و نیروهایی دانست که می‌توانند بر تحول بحران‌های منطقه‌ای تأثیر بگذارند. امنیت به معنای اراده استراتژیک برای مقابله با بحران محسوب می‌شود. مایکل آژاری با انتشار کتاب جنگ ایران و عراق درصدد برآمد تا تحلیلی ساختاری از نقش سیاسی و امنیتی آمریکا و شوروی در غرب آسیا ارائه دهد. این امر با قالب‌های تحلیل ساختاری کاملاً همگون بود و توانست نقش مداخله‌گرایانه آمریکا را در حمایت از عراق در قالب نظریه ضرورت‌های ساختاری ارائه دهد. در نگرش ساختاری، هر گونه اقدام سیاسی و رفتارهای حمایتی قدرت‌های بزرگ را می‌توان در زمره موضوعات و مؤلفه‌هایی دانست که بر فرآیند و نتایج فعالیت‌های منطقه‌ای بازیگران تأثیر می‌گذارد (Azahary, 1984: 123).

و- نگرش ماکسون جانسون درباره جنگ ایران - عراق:

جانسون در زمره تحلیل‌گران موضوعات امنیت منطقه‌ای محسوب می‌شود. وی امنیت را با مؤلفه‌هایی همانند نظامی‌گری پیوند می‌دهد. جانسون در مطالعات خود به این نتیجه رسیده است که اگر آمریکا و شوروی در حوادث سیاسی و امنیتی مداخله به عمل آورند یا اینکه از الگوی رفتار استراتژیک می‌گیرند، به مفهوم آن است که چنین موضوع یا بازیگری برای آن کشورها اهمیت ویژه‌ای دارد. امنیت منطقه‌ای در نگرش قدرت‌های بزرگ دارای شاخصه‌های خاصی است. از جمله این نشانه‌ها می‌توان به چگونگی ایفای نقش نظامی اشاره داشت. کتاب جانسون درباره نقش نظامی آمریکا در جنگ خلیج فارس تنظیم شده است. وی بر اساس مطالعات آماری خود درباره تحولات نظامی و الگوهای امنیتی به این نتیجه رسید که اولاً خلیج فارس در زمره حوزه منافع حیاتی آمریکا قرار دارد؛ بنابراین، آمریکایی‌ها آمادگی لازم را برای راه‌اندازی جنگ‌های منطقه‌ای در این حوزه جغرافیایی دارند. نشانه‌های چنین امری را می‌توان نقش‌آفرینی آمریکا در حوادث بحرانی این منطقه از جمله جنگ ایران و عراق دانست (متقی، ۱۳۸۸: ۴۴).

۳- روابط ایران و شوروی تا پیش از شروع جنگ تحمیلی

شاید بتوان آغاز روابط دو کشور ایران و اتحاد جماهیر شوروی از شکل‌گیری عهدنامه مودت بین دو کشور در فوریه سال ۱۹۲۱ میلادی دانست. قبل از این تاریخ، اگر چه دو کشور برای مدت‌های مدید روابط سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی داشته‌اند اما شکل‌گیری انقلاب سوسیالیستی در روسیه که در سال ۱۹۱۷ میلادی اتفاق افتاد، نقطه عطفی در مناسبات خارجی این کشور و از جمله ایران به وجود آورد که تا حدودی کیفیت آن را از گذشته متمایز می‌ساخت. بنابراین لازم است به سرمنشأ پیروزی انقلاب سوسیالیستی در این کشور در مورد روابط ایران و شوروی توجهی خاص داشت. در عهدنامه مودت بین دو کشور که حاوی یک مقدمه و ۲۶ ماده است، دو ماده آن اهمیت به سزایی دارد. دولت شوروی عملاً پس از جنگ جهانی دوم و به بهانه اینکه هنوز خطر از مرزهای این کشور رفع نشده نیروهای خود را از ایران خارج نمی‌کرد (ایزدی، ۱۳۹۲: ۲۱). استالین در سال ۱۹۴۴ میلادی پیشنهاد کرد که راه‌آهن ایران و یک بندر آزاد تحت اداره بین‌المللی قرار گیرد که البته حاصل این کار، کسب یک راه مطمئن برای شوروی‌ها در جهت رسیدن به خلیج فارس بود که البته با مخالفت آمریکا روبه‌رو شد (استیل، ۱۳۶۷: ۲۳۴).

روش اتحاد شوروی در حمایت از رژیم حاکم بر ایران پس از مرگ استالین نیز ادامه یافت. پایان کار استالین با شروع نهضت ملی نفت در ایران هم‌زمان شد، هیئت حاکمه‌ای که بلافاصله پس از مرگ استالین رهبری کشور شوروی را به عهده گرفت این امکان را برای دولت حاکم بر ایران فراهم

ساخت که بتواند در برابر این خیزش ملی که در ایران پدید آمده بود مقاومت کند و سرانجام با کمک بیگانگان آن را خفه نماید (ایزدی، ۱۳۹۲: ۲۴).

عملکرد حزب توده که زیر نظر شوروی در ایران برپا شد، در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز شاهد دیگری بر روند سیاست خارجی اتحاد شوروی در دوران مورد نظر می‌باشد. حزب مزبور در شرایطی که نهضت ملی ایران در حال انجام بود و متقابلاً نیروهای مقابله‌گر در صدد اجرای نقشه کودتای خود بودند، بدون کوچک‌ترین دخالتی در این قضایا و صرفاً تحت این عنوان که هنوز دستوری از بالا نرسیده است (پژوهش گروه جامی، ۱۳۶۲: ۶۷۶) و به‌رغم شعارهای قبلی خود در جهت تشجیع و تشویق مردم و آماده باش آن‌ها (روزنامه شجاعت، ۱۳۳۲/۵/۲۳) سکوت اختیار کرده و تنها شاهد اجرای کودتا و فروپاشی نهضت ملی ایران بود.

پس از گرایش سیاست‌های ایران به سمت آمریکا که پایان نهضت ملی نقطه عطفی برای آن محسوب می‌شد، روابط شوروی و ایران بیشتر در چارچوب روابط آمریکا و ایران تعریف می‌شد. این روند حتی پس از روی کار آمدن برژنف در شوروی نیز ادامه داشت، زیرا روند تشنج‌زدایی بین آمریکا و شوروی همچنان ادامه داشت و شوروی‌ها نیز راضی بودند که بتوانند به همراه آمریکا زمینه را برای جلوگیری از رشد قدرت‌های سوم فراهم آورند. عمده‌ترین روابط دو کشور ایران و شوروی در دوران مورد بحث در چارچوب روابط اقتصادی خلاصه می‌شد که مهم‌ترین آن صدور گاز ایران به شوروی از سال ۱۹۷۰ و متقابلاً احداث کارخانه ذوب‌آهن اصفهان توسط شوروی در ایران بود. دولت ایران در این دوران هیچ‌گاه نتوانست قانع شود و اعتمادی از جانب روس‌ها به‌دست آورد. در بعد اقتصادی نیز اختلاف اساسی بین دو کشور بر سر قیمت گاز بود، زیرا ایران ادعا داشت که شوروی بهای بسیار کمی برای گاز ایران پرداخت می‌کند، در حالی که تجهیزات و ماشین‌آلات خود را به قیمت معمولی و گاه بالاتر به ایران می‌فروشد. به هر حال این کشمکش‌های سیاسی و اقتصادی تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همچنان ادامه داشت (ایزدی، ۱۳۹۲: ۲۸).

۴- روابط عراق و شوروی تا پیش از شروع جنگ تحمیلی

اگر چه اتحاد شوروی و عراق روابطشان دارای سابقه طولانی است، اما متعاقب کودتای ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ و سقوط رژیم سلطنتی در عراق نقطه عطفی در روابط دو کشور ایجاد شد. به بیان دیگر با توجه به جنگ سرد بین دو ابرقدرت شوروی و آمریکا وجود یک رژیم سلطنتی متمایل به غرب، امکان نفوذ شوروی در عراق را سد کرده بود، بنابراین روابط دو کشور به گونه‌ای عادی و تحت تأثیر روابط عراق با غرب و به ویژه با انگلستان بود.

سقوط رژیم سلطنتی در عراق و برقراری یک رژیم جمهوری به رهبری عبدالکریم قاسم که

میانه خوبی با غرب نداشت، موجب گرایش این کشور به سمت شوروی شد (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷: ۲۳۴). اتحاد شوروی که پس از پیروزی انقلاب اکتبر تقریباً در تمامی کشورها و به ویژه کشورهای اطراف خود، احزاب کمونیست را ایجاد و تقویت کرده بود اکنون می‌توانست از حزب کمونیست عراق در جهت کمک به کودتای ضد سلطنتی این کشور به رهبری عبدالکریم قاسم بهره گرفته و متقابلاً برای گسترش نفوذ آن‌ها در حکومت تلاش نماید و به همین جهت حزب کمونیست عراق در ابتدای حکومت قاسم از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود. این موقعیت باعث شده بود کمونیست‌ها و در بعدی وسیع‌تر اتحاد جماهیر شوروی نفوذ خود را در درون حکومت عراق گسترش دهند. دولت شوروی بلافاصله چهار روز پس از کودتای عبدالکریم قاسم رژیم وی را به رسمیت شناخت و روز بعد نیز چین که تا این تاریخ هنوز متحد خوبی برای شوروی محسوب می‌شد، این دولت را به رسمیت شناخت (ایزدی، ۱۳۹۲: ۴۰). در ۱۶ مارس ۱۹۵۹ موافقت‌نامه کمک‌های فنی و اقتصادی بین شوروی و عراق به امضاء رسید که به موجب آن شوروی اعتبار معادل ۵۵۰ میلیون روبل برای ۴۳ طرح صنعتی در اختیار عراق قرار می‌داد. در ماه مارس ۱۹۶۰ اتحاد شوروی اعتبار دیگری به میزان ۱۸۰ میلیون روبل در اختیار عراق قرار داد که موافقت‌نامه آن نیز در ۲۵ ماه مه همان سال به امضاء رسید. شوروی در زمینه سیاسی نیز نفوذ خود را روز به روز گسترش می‌داد. قدرت گرفتن حزب کمونیست عراق در دوران پس از کودتا و نفوذ این حزب در هرم سیاسی قدرت در عراق پیروزی سیاسی بزرگی برای اتحاد شوروی محسوب می‌شد. با سقوط حکومت عبدالکریم قاسم که طی یک کودتای نظامی روی داد، عبدالسلام عارف پست ریاست جمهوری این کشور را اشغال کرد که در آن دوران سیاست ضد کمونیستی شدیدی در عراق اعمال شد که باعث خشم و اعتراض دولت شوروی شد. به دنبال کشته شدن عبدالسلام عارف در آوریل ۱۹۶۶ و روی کار آمدن برادرش عبدالرحمن عارف روابط مسکو و بغداد باز هم بهبود یافت. این به دلیل قطع رابطه عراق با آمریکا، بریتانیا و آلمان غربی بود که به دلیل شکست اعراب در جنگ شش روزه ۱۹۶۷ صورت گرفته بود، موجب استقلال مسکو از این قطع روابط سیاسی بود. در سوم ژوئن همان سال نیکلای پادگورنی نخست وزیر وقت شوروی از بغداد دیدن کرد و قراردادهایی در زمینه تسلیحاتی، اقتصادی و فنی بین دو کشور به امضاء رسید. با روی کار آمدن حزب بعث در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ روابط عراق با مسکو محکم‌تر شد. به هر حال انعقاد پیمان دوستی بین دو کشور عراق و شوروی در سال ۱۹۷۲ نقطه عطفی در روابط دو کشور ایجاد کرد که آثار آن در تقویت بنیه دفاعی و نظامی عراق بسیار مشهود بود (Kolodziej and Kanet, 1989: 264).

۵- موضع شوروی پس از آغاز جنگ

پس از اینکه روس‌ها از داشتن روابط مطمئن از سوی ایران نا امید شدند، حمایت تسلیحاتی از

عراق را از سرگرفتند، اما در شرایطی که عراق در موضع تهاجمی قرار می‌گرفت، مسکو حمایت تسلیحاتی از بغداد را محدود می‌کرد. در ژوئیه ۱۹۸۲ با آغاز حملات ایران به داخل خاک عراق، روس‌ها ناگهان تغییر رویه داده، در حمایت علنی از عراق، حمله ایران را به شدت محکوم کردند. به دنبال آن، مسکو برای برقراری توازن در جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران، کمک مالی و تسلیحاتی خود را به عراق افزایش داد و یک کمک ۱/۵ میلیارد دلاری در اختیار بغداد قرار داد. در ادامه این کمک‌ها، میگ‌های ۲۳ و ۲۵ و تانک‌های تی ۷۲ و موشک‌های زمین به زمین و زمین به هوا و سیل جنگ‌افزارهای مختلف روسی به عراق سرازیر شد و دو هزار مستشار شوروی برای تقویت روحیه ارتش عراق که بسیار ضعیف شده بود، به فعالیت پرداختند. مسکو نگران بود کمک‌های گسترده تسلیحاتی غرب به عراق برای رویارویی با ایران، موجب تغییر ساختار نظامی و سیستم ارتش عراق شده، آهنگ غرب‌گرایی همه‌جانبه را در آن کشور تشدید کند. علاوه بر این، روس‌ها نگران پیروزی ایران در جنگ با عراق، تنها متحد خود در حاشیه خلیج فارس بودند. دستگیری اعضای حزب توده ایران در سال ۱۹۸۳ به اتهام جاسوسی برای شوروی و دستور اخراج هجده نفر از دیپلمات‌های روسی، بر تیرگی روابط ایران و شوروی افزود. شوروی، اعدام اعضای فعال حزب توده در ارتش ایران را به شدت مورد انتقاد قرار داد و جاسوس بودن آنان را تکذیب کرد. به دنبال تیرگی روابط شوروی و ایران، این کشور روابطش را با عراق تعمیق بخشید. در آغاز سال ۱۹۸۴ موافقتنامه اعطای یک وام بلند مدت دو میلیارد دلاری بین دو کشور به امضاء رسید و مسکو میزان خرید نفت خود را از عراق افزایش داد و تعهد نمود در برابر نفت، تجهیزات نظامی در اختیار آن کشور قرار دهد (Evans and Company, 1985: 40).

اتحاد جماهیر شوروی بعد از پیروزی ایران در شلمچه (عملیات کربلای پنجم)، بیش از پیش بر کمک‌های تسلیحاتی خود به عراق افزود. واگرایی میان عراق و آمریکا و همچنین سردی روابط اعراب و آمریکا که از ماجرای مک‌فارلین ناشی می‌شد، زمینه مناسبی را برای مسکو به وجود آورد تا خود را حامی اصلی عراق نشان دهد و نزدیکی به اعراب را نیز به عنوان یک مسئله مهم در سیاست خارجی منطقه‌ای‌اش دنبال کند. استراتژی شوروی در حمایت از عراق که از سال ۱۳۶۱ هجری شمسی و پس از اقدام ایران در ورود به خاک عراق اتخاذ شد، به نوعی در مقابل اقدامات نظامی ایران بی‌اثر شده بود؛ بنابراین دولتمردان مسکو برای جلوگیری از کاهش اعتبار سیاسی و کارآمدی تسلیحات روسی، برای ارسال تسلیحات پیشرفته روسی به عراق مصمم شدند (W. Amos II, 1984: 65).

در بهمن ۱۳۶۶ / ژانویه ۱۹۸۷ رئیس هیئت شوروی در سازمان ملل اعلام کرد: «کشورش فعالانه عراق را تقویت می‌کند» (یکتا، ۱۳۷۳: ۱۶۵). وی طی مصاحبه‌ای اظهار داشت: «تا زمانی که ایران معتقد باشد می‌تواند از طریق نظامی بر عراق چیره شود، مسکو روش خود را تغییر نخواهد

داد و هیچ‌گونه تردیدی برای تأمین اسلحه عراق به خود راه نمی‌دهد.» همچنین مسئول سیاسی امور خاورمیانه در حزب کمونیست شوروی، اظهار داشت: «شوروی ارسال سلاح به عراق را به خاطر بازگرداندن موازنه نظامی و سیاسی میان ایران و عراق از سرگرفت. ایرانیان امیدهای زیادی به برتری قدرت نیروی انسانی خود دارند و ممکن است این برتری به توازن نظامی اخلال وارد آورد. از این رو شوروی ارسال سلاح به عراق را آغاز کرده و این کار همچنان ادامه دارد» (اردستانی، ۱۳۸۷: ۸۵).

به هر حال، در حالی که شوروی با توسل به انواع ترفندها، در هر دو کشور ایران و عراق نفوذ می‌کرد، بزرگ‌ترین فروشنده تسلیحات به عراق محسوب می‌شد. جالب اینکه وقتی عراق در مرحله اول جنگ در حالت تهاجمی قرار داشت، شوروی کشتی‌های جنگی‌اش را از راه عراق برگرداند و تسلیحات را برای عراق مهیا نکرد (کینگ، ۱۹۸۷: ۶۵). در واقع، این اقدام برای حفظ موازنه نظامی میان ایران و عراق صورت پذیرفت. به هر حال خاورمیانه از منظر استراتژیک و توازن قوای جهانی برای شوروی بسیار مهم بود. فروش جنگنده بمبافکن‌های سوخو-۲۴ به عراق، نشان داد که شوروی به سیاست توازن قوا و پیگیری آن در خاورمیانه اهمیت زیادی قائل است (درودیان، ۱۳۷۴: ۱۸۲). فروش تسلیحات شوروی بین سال‌های ۱۹۸۶-۱۹۸۸ به عراق حدود ۹/۳ میلیارد دلار بود که شامل ۲۰۰۰ دستگاه تانک شامل ۸۰۰ تانک تی ۷۲، ۳۲۰ فروند جنگنده، ۳۰۰ فروند موشک زمین به زمین و موشک‌های اسکاد B و اس-۱۲ بود که تقریباً تمام این تسلیحات از طریق اردن و بنادر این کشور وارد عراق می‌شد (W. Amos II, 1984: 65).

به این ترتیب، سیاست شوروی از سال ۱۹۸۶ یعنی پس از فتح فاو تا پذیرش قطعنامه، بیانگر عزم این کشور برای تأمین تسلیحات عراق بوده، به میزانی که این کشور شرایط جنگ را در زمین به نفع خود تغییر دهد و ایران را به پذیرش قطعنامه وادار سازد. غرب و کشورهای عرب منطقه نیز در چنین تحلیل‌هایی با شوروی هم عقیده بودند. از این رو در این دوره شاهد بزرگ‌ترین خریدهای نظامی یک کشور جهان سومی درگیر در یک مناقشه نظامی هستیم. از طرف دیگر، فروش موشک‌های دوربرد و همچنین هواپیماهای پیشرفته میگ ۲۹ و ۳۱ به عراق، این امکان را برای بغداد فراهم کرد که جنگ شهرها را با شدت هر چه بیشتر که تا قبل از آن سابقه نداشت، ادامه دهد. این اقدام، فشار فوق‌العاده زیادی را بر جمهوری اسلامی وارد کرد. اوج جهت‌گیری سیاست شوروی به نفع عراق، پاسخ مثبت به درخواست کویت مبنی بر نصب پرچم شوروی بر روی نفتکش‌های این کشور در خلیج فارس بود. شوروی با این اقدام، بهره‌برداری از ماجرای ایران گیت و نزدیک شدن به اعراب را دنبال می‌کرد. آن‌ها همچنین درصدد برآمدند ناوگان جنگی خود را در خلیج فارس تجهیز کنند (قادری کنگاوری، ۱۳۸۹: ۷۰-۵۱).

۶- روابط خارجی ایران و شوروی در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷

الف- مقطع اول: بی‌طرفی شوروی در جنگ (سه سال اول جنگ تحمیلی)

با شروع جنگ ایران و عراق، شوروی حداقل در ماه‌های اولیه جنگ، خود را بیشتر همسو با ایران نشان می‌داد. در واقع آنان برای حفظ منافع آتی خود، در حالی که عراق هنوز متحد شوروی و از لحاظ نظامی وابسته به مسکو بود، ابتدا از ارسال اسلحه و تدارکات نظامی به عراق امتناع کردند (درودیان، ۱۳۸۰: ۶۳). با وجود این، برای اینکه قطع صدور وسایل نظامی، موجب رنجش عراق نشود، متحدان اروپای شرقی خود را تشویق کرد که نیازهای عراق را برطرف سازند. در چارچوب این رویکرد، کشورهای بلغارستان، چکوسلواکی و لهستان به تأمین کننده عمده سلاح برای عراق تبدیل شدند. رهبران شوروی که ایران را در انزوا می‌دیدند، امیدوار بودند جنگ و فشارهای غرب برای آزادی گروگان‌ها، ایران را برای رفع نیازهای تسلیحاتی و تدارکاتی به سوی آن کشور سوق دهد. اما تلاش ایران برای آزادی گروگان‌های آمریکایی، این تصور را القاء می‌کرد که تهران گام‌های اولیه را به سوی آمریکا برمی‌دارد.

ولادیمیرونیوگرادف، سفیر شوروی در تهران، برای جلوگیری از نزدیکی ایران به آمریکا به جهت نیازهای تسلیحاتی طی ملاقات با شهید محمد علی رجایی، نخست وزیر وقت، آمادگی کشور متبوع خود را برای تحویل سلاح‌های ساخت آن کشور به ایران اعلام داشت. اما این پیشنهاد از سوی رهبران ایران رد شد. برژنف در ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰، طی یک سخنرانی، هر دو دولت ایران و عراق را دوست اتحاد شوروی توصیف کرد و تأسف خویش را از خونریزی و خسارت اقتصادی جنگ برای هر دو طرف ابراز داشت (ریوکین، ۱۳۶۶: ۷۹). اعلام بی‌طرفی شوروی به خاطر ترس از بهبود روابط ایران و آمریکا و نیز عدم اطمینان نسبت به عراق بود، زیرا تجربه رابطه با عراق برای شوروی حامل این پیام بود که عراق در صورتی با آن‌ها هم پیمان می‌شود که در موضع ضعف باشد.

موضع شوروی نسبت به جنگ ناشی از دو عامل بود اول اینکه عراق به خاطر جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای خود سیاست مستقل از شوروی در پیش گرفته و سعی داشت از آن کشور فاصله بگیرد، به علاوه پیوندهای خود را با غرب افزایش داده و حتی تماس‌هایی را با آمریکا به قصد عادی‌سازی روابط با آن کشور آغاز کرده بود. دوم، با توجه به بحران گروگانگیری و قطع رابطه ایران و آمریکا و برچیده شدن پایگاه‌های استراق سمع آمریکا در منطقه شمال ایران، شوروی‌ها به وضوح احساس می‌کردند که دستاوردهای بالقوه در ایران از خسران احتمالی در عراق مهم‌تر است (فوزی، ۱۳۸۴: ۵۶۹).

دلایل حمایت نسبی شوروی از ایران قانع کننده بود. وسعت ایران چهار برابر عراق و جمعیت

آن سه برابر عراق بود، ضمن اینکه عراق آغازگر جنگ بود. هر چند مسئله صدور گاز ایران به شوروی به لحاظ اختلاف در تعیین قیمت لاینحل باقی مانده بود، با وجود این، بهبودی نسبی روابط دو کشور تا آزادسازی خرمشهر توسط نیروهای نظامی ایران از دست نیروهای عراقی ادامه داشت (صدقی، ۱۳۸۶: ۴۱).

ب- مقطع دوم: حمایت شوروی از عراق

دوره دوم با آزادسازی خرمشهر در سال ۱۳۶۱ توسط ایران آغاز شد. در خردادماه ۱۳۶۱ ایران به رغم توان تسلیحاتی اندک، خرمشهر را آزاد کرد و عراق را به عقب‌نشینی واداشت. در سایه وضعیت جدید جنگ، رویکرد شوروی به ایران تغییر کرد. شوروی‌ها انتظار داشتند ایران با آزاد کردن مناطق تحت اشغالش، به صلح با عراق تمایل نشان دهد. اما ایران با امتناع از مذاکره، درصدد برآمد با بهره‌گیری از توان نظامی، اهداف خود را تأمین کند. در این مرحله، شوروی حمایت تسلیحاتی عراق را از سرگرفت. تصمیم مقامات جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ حتی پس از رسیدن نیروهای ایران به مرزهای بین‌المللی بر نگرانی‌های مقامات شوروی افزود (موری، ۱۳۷۴: ۲۱۵)، که در این صورت اگر عراق شکست بخورد و یا حزب بعث جای خود را به یک حکومت اسلامی بدهد، شوروی یک متحد مهم را از دست خواهد داد (صدقی، ۱۳۸۶: ۷۰).

استراتژی تنبیه متجاوز ایران باعث شد شوروی کمک مالی و تسلیحاتی خود را به عراق افزایش دهد. در این راستا در گام نخست، یک کمک ۱/۵ میلیارد دلاری در اختیار بغداد قرار گرفت. در ادامه این کمک‌ها، میگ‌های ۲۳ و ۲۵ و تانک‌های تی ۷۲ و موشک‌های زمین به زمین و زمین به هوا و سیل جنگ‌افزارهای مختلف روسی به عراق سرازیر شد و دو هزار مستشار شوروی برای تقویت روحیه ارتش عراق که بسیار ضعیف شده بود، به فعالیت پرداختند. رهبران شوروی به وضوح به این نتیجه رسیده بودند که پیروزی نظامی ایران تهدید جدی برای توازن قوا در منطقه به شمار می‌رود، بنابراین تمام توان را برای جلوگیری از این امر به‌کار بردند (امیراحمدی، ۱۳۸۴: ۸۲). در سال ۱۹۸۳ اولین موضع رسمی حمایت شوروی از عراق با سخنانی گرومیکو آشکار شد. گرومیکو به صراحت ایران را به علت تداوم جنگ سرزنش کرد (امیدوارنیا، ۱۳۷۳: ۱۵۱).

ج- مقطع سوم: حمایت شوروی از عراق (از زمان گورباچف تا پایان جنگ تحمیلی)

دوره سوم از سال ۱۹۸۵ با به قدرت رسیدن گورباچف آغاز می‌شود. گورباچف در راستای اجرای سیاست تنش‌زدایی در سیاست خارجی خود و ایجاد رابطه دوستانه با آمریکا، فشار بر ایران را در جهت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ افزایش داد و تسلیحات پیشرفته‌تری به عراق ارسال کرد. پنج روز پس از به قدرت رسیدن گورباچف در مسکو، نیروهای ایرانی عملیات بدر را آغاز کردند اما از رسیدن به

همه هدف‌های از پیش تعیین شده، بازمانده مجبور به عقب‌نشینی شدند. به دنبال عدم موفقیت عملیات نظامی ایران، روس‌ها تلاش گسترده‌ای را برای پایان دادن به جنگ در پیش گرفتند (امیراحمدی، ۱۳۸۴: ۳۲۴). سیاست خارجی درهای باز ایران که از آغاز سال ۱۹۸۵ به دنبال موقعیت سخت نظامی شروع شد، پس از عملیات بدر تقویت شد. در راستای این سیاست، روابط ایران با بسیاری از کشورهای منطقه و فرامنطقه همچون فرانسه، آلمان و انگلستان بهبود یافت (اندیشمند، ۱۳۸۳: ۶۲).

صدام حسین، با سفر به شوروی و دیدار با میخائیل گورباچف و آندره گرومیکو از رهبران شوروی خواست نقش مستقیمی در جهت یافتن راه حلی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق ایفاء کنند. آن‌ها حول محور تحکیم روابط دو جانبه، خرید سلاح از شوروی و تلاش برای خاتمه جنگ ایران و عراق توسط شوروی مذاکراتی انجام دادند. البته قرائن موجود حاکی از آن است که روس‌ها در این مقطع زمانی به هیچ وجه خواهان پایان جنگ ایران و عراق نبودند. از نظر آن‌ها این جنگ مهم‌ترین اهرم فشار برای کسب امتیاز از آمریکا و ایران، که از طرف‌های ذی‌نفع در مسئله افغانستان بودند، به شمار می‌آمد؛ بنابراین تا به دست آمدن توافق کامل در مورد حل و فصل بحران افغانستان، باید این جنگ ادامه پیدا می‌کرد. بر این اساس و در پی افشای ماجرای ایران گیت که نوعی نادیده گرفتن نقش روس‌ها در منطقه و جنگ بود، مسکو تمام تلاش خود را صرف جلوگیری از پایان جنگ تا رسیدن به توافق کامل در مورد افغانستان کرد (رحمتی، ۱۳۸۹: ۹۱).

از تابستان ۱۹۸۷ مسکو در مقطعی کوتاه با توجه به تمایل عراق به تقویت روابطش با آمریکا به نوعی به سمت ایران متمایل شد و این امر، موجبات سردی روابط عراق و شوروی را فراهم آورد. در این زمان، شوروی با قطعنامه تحریم تسلیحاتی ایران مخالفت کرد. تعلل روس‌ها در تصویب قطعنامه تحریم تسلیحاتی ایران، باعث شد آمریکا که خواهان پایان هر چه سریع‌تر جنگ بود، برای جلب موافقت مسکو، آمادگی خود را برای امضای پیش‌نویس مقدماتی کنفرانس ژنو در خصوص افغانستان اعلام نماید. در مقابل، شوروی نیز اعلام کرد از این پس سد راه تصویب طرحی مطابق با نظر اکثریت اعضای شورای امنیت سازمان ملل نخواهد شد (صدقی، ۱۳۸۶: ۲۶۴).

تضعیف موقعیت ایران در جبهه‌های جنگ در کنار توافق علنی دو ابرقدرت برای پایان دادن به جنگ، که در حمله ناو وینسنس به هواپیمای مسافربری ایران در سوم جولای ۱۹۸۸ و سکوت مطلق روس‌ها تجلی یافت، تهران را به این جمع‌بندی رساند که تداوم جنگ نمی‌تواند به نفع ایران باشد. جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۶ (۱۸ جولای ۱۹۸۸) اعلام کرد قطعنامه ۵۹۸ را می‌پذیرد. بدین ترتیب یکی از دستاوردهای بسیار مهم همگرایی آمریکا و شوروی در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ یعنی وادار کردن ایران - کشوری که با استقلال عمل خود، منافع هر دو ابرقدرت را تهدید

می‌کرد - به پایان دادن جنگ هشت ساله با عراق، به دست آمد (مستوری کاشانی، ۱۳۷۱: ۱۴۹).

۷- کمک‌های مالی و تسلیحاتی شوروی به عراق

بر اساس پیمان دوستی بغداد- مسکو که در سال ۱۹۷۲ منعقد شد، شوروی متعهد بود سالانه ۱/۵ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به عراق تحویل دهد (قادری کنگاوری، ۱۳۸۹: ۵۸). این کشور در سال ۱۹۷۶ پس از ناامیدی از حمایت مسکو در رویارویی با ایران و آمریکا، قراردادی را با فرانسه منعقد کرده بود که به او کمک می‌کرد تا ساختار ارتش وابسته به شوروی را به تدریج تغییر دهد و تنوع بیشتری در منابع تسلیحاتی خود ایجاد نماید. به دنبال آن، در اوائل سال ۱۹۷۷ خرید هواپیماهای میراژ و طرح خرید یک نیروگاه هسته‌ای از فرانسه به بروز مشاجراتی بین بغداد و مسکو منجر شد. از سوی دیگر، روابط نزدیک با اردن، ایجاد روابط حسنه با عربستان سعودی و مهم‌تر از همه متلاشی کردن حزب کمونیست عراق و اعدام بیش از صد نفر از اعضای آن و محکومیت شدید تجاوز شوروی به افغانستان، همگی گویای تیرگی روابط بین بغداد - مسکو بود. با این حال، این اختلافات به قطع کامل روابط بین دو کشور نیانجامید و هر دو دولت تلاش کردند مناسبات خودشان را حفظ کنند. عراق به سبب وابستگی ساختاری ارتشش و نیازمندی به تسلیحات و ادوات نظامی، به قطع کامل روابط با شوروی قادر نبود و مسکو نیز تمایلی به از دست دادن تنها متحد خود در حاشیه خلیج فارس نداشت، مگر اینکه متحدی با موقعیت جغرافیایی بهتر و دربردارنده منافع بیشتر - مثل ایران - جایگزین آن شود.

با حمله عراق به ایران، شوروی فوراً صدور سلاح را به عراق متوقف کرد، چرا که در این باره مورد مشورت قرار نگرفته بود. وقوع جنگ عراق علیه ایران، سیاست خارجی شوروی را در موقعیت ناخوشایندی قرار داد. مسکو در پشتیبانی از متحد سر به عصیان گذاشته‌اش دچار تردید شد. حمایت از عراق می‌توانست زمینه‌های هر گونه بهبود مناسبات با بزرگ‌ترین کشور منطقه را از بین برده، ایران را به جهت نیازمندی‌های تسلیحاتی و تدارکاتی بار دیگر به آغوش آمریکا بازگرداند. از سوی دیگر، پشتیبانی از انقلابی که منافع شوروی را در منطقه تهدید می‌کرد، به از دست رفتن تنها متحد مسکو در حاشیه خلیج فارس منجر می‌شد، بدون اینکه چشم‌انداز روشنی از ظرفیت نفوذ ابرقدرت شرق در ایران وجود داشته باشد.

افزون بر این، از نظر مسکو، پیروزی هر کدام از طرفین در جنگ، نتایج نامطلوبی به بار می‌آورد. پیروزی عراق، نتیجه‌ای جز فروپاشی حکومت و شکست انقلاب ایران در پی نداشت که این امر نیز به تثبیت موقعیت آمریکا در ایران و منطقه منجر می‌گشت. پیروزی ایران نیز انقلاب اسلامی

را به چنان نیرویی مبدل می‌ساخت که توازن موجود را در منطقه خاورمیانه بر هم می‌زد و مانعی جدی بر سر راه نفوذ شوروی در منطقه به وجود می‌آمد که با تحریک مسلمانان جمهوری‌های مسلمان‌نشین، امنیت ملی آن کشور را در معرض تهدید قرار می‌داد. بنابراین، سیاست شوروی در برابر جنگ عراق علیه ایران باید مجموعه‌ای از آینده‌نگری‌ها، مصالح و هدف‌های کوتاه و بلند مدت را شامل می‌شد تا می‌توانست حداکثر استفاده و حداقل زیان را برای آن کشور به دنبال داشته باشد.

چنین اهداف متناقضی باعث شد کرم‌لین سیاست دوگانه و پرنوسانی را در برابر جنگ ایران و عراق در پیش گیرد. با آغاز جنگ، دولت شوروی موضع بی‌طرفی خود را اعلام کرد و برای حفظ بی‌طرفی خود در جنگ و جلب توجه ایران، فرستادن تسلیحات به عراق را معوق و معطل گذاشت. اما برای جلوگیری از رنجش دولت عراق، متحدان خود را در اروپای شرقی تشویق کرد نیازهای عراق را برطرف سازند. به دنبال این امر، کشورهای بلغارستان، چکسلواکی سابق و لهستان به تأمین کننده عمده سلاح برای عراق تبدیل شدند (king, 2003: 110).

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

در پاسخ به پرسش این مقاله که عبارت است از، «نقش و عملکرد شوروی به عنوان یکی از ابرقدرت‌های وقت، در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران چه بوده است؟» می‌توان اینگونه موارد را تحلیل نمود که:

۱- در بررسی و تحلیل دیدگاه و نگرش صاحب‌نظران و اندیشمندان داخلی و خارجی نیز می‌توان به این نکته رسید که عامل اصلی برپایی جنگ بین ایران و عراق بحث دو ابرقدرت بزرگ به نام غرب و شرق بودند و انقلابی را که در ایران شکل گرفته بود را تهدیدی بزرگ برای اهداف خود می‌دیدند، به عبارت دیگر حمایت جنگ بر علیه ایران را برای نابودی انقلاب در این کشور انجام می‌دادند و غرب که بیشترین منافع را در ایران داشت، انقلاب را به طور مستقیم علیه منافع خود می‌دانست، باید در ایران شرایطی به وجود می‌آمد که دیگران ناامید شوند و بگویند نمی‌شود بدون اتکا به غرب و شرق، انقلابی باقی بماند و یکی از اهداف جنگ، تحقق این امر بود و برای سرکوبی و مهار انقلاب، مارکسیسم شرق و امپریالیسم غرب در این هدف به تلاقی رسیدند و صدام نقطه تقاطع خطوط فوق بود و از آنجا شروع کردند و بر روی ایران فشار آوردند.

۲- در روابط ایران و شوروی در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ با تأکید بر مسئله افغانستان می‌توان به سه دوره مشخص اشاره کرد و آن‌ها را به صورت زیر تحلیل نمود:

- ۱- دوره عدم حساسیت شوروی نسبت به موضع‌گیری‌های ایران (سه سال اول جنگ تحمیلی)؛
- ۲- دوره تمایل نسبی شوروی به سوی عراق و انتقاد غیر رسمی از ایران (از آزادسازی خرمشهر تا به قدرت رسیدن گورباچف)؛
- ۳- دوره انتقاد شوروی از ایران به علت سیاست ایران در خصوص مسئله افغانستان (از زمان گورباچف تا پایان جنگ تحمیلی).

در سال‌های ابتدایی جنگ (دوره اول)، هر چند ایران به طور علنی و رسمی از مجاهدین افغانی حمایت می‌کرد اما شوروی به علت حاکم بودن روابط دو قطبی در نظام بین‌الملل، حمایت عراق از افغانستان و ترس از اینکه ایران به آمریکا نزدیک شود چندان به این موضع‌گیری رسمی ایران در روابط خارجی حساسیت نشان نمی‌داد. البته عامل دیگری نیز در این عدم موضع‌گیری و تحمل پذیری شوروی تأثیر داشت و آن عدم اطمینان نسبت به عراق بود چون عراق علت نزدیکی به شوروی را دریافت سلاح می‌دانست و در طول تاریخ متحد قابل اطمینانی برای شوروی نبود. این تحمل پذیری شوروی و عدم موضع‌گیری شوروی نسبت به سیاست ایران، در قبال محکومیت اشغال افغانستان در سه سال اول جنگ ایران و عراق ادامه داشت. در سال‌های بعد (از آزادسازی خرمشهر تا به قدرت رسیدن گورباچف)، با توجه به اینکه ایران در حالت تهاجمی در جنگ با عراق قرار داشت و موفق به فتح خرمشهر شد، اهمیت تمامیت ارضی عراق برای شوروی افزون‌تر شد. با توجه به ادامه سیاست‌های ایران مبنی بر حمایت از مجاهدین افغان و نیز عدم حمایت عراق از مردم افغانستان (هر چند در ابتدا این تهاجم را محکوم کرده بود) و همچنین قاطعیت ایران در سیاست نه شرقی و غربی و فهم این نکته از سوی شوروی مبنی بر اینکه اگر از ایران انتقاد کند به سمت آمریکا گرایش نخواهند یافت، شوروی سیاست خود را از حالت بی‌طرفی به سیاست حمایت از عراق در مقابل ایران تغییر داد. ایران با توجه به اینکه حکومت کمونیستی افغانستان را به رسمیت نمی‌شناخت در کنفرانس‌های صلح افغانستان شرکت نمی‌کرد که این امر، باعث سردی روابط کشورهای درگیر مسئله افغانستان همچون شوروی، آمریکا و پاکستان با ایران می‌شد. سیاست خارجی شوروی در قبال ایران با به قدرت رسیدن گورباچف وارد مرحله تازه‌ای شد. در این دوره با توجه به سیاست‌های تنش‌زدایی گورباچف و ایجاد ارتباط دیپلماتیک با آمریکا و تلاش برای حل مسئله افغانستان، تلاش بیشتری در خصوص تحریم ایران صورت گرفت. شوروی در این سال‌ها به ارسال تسلیحات نظامی به عراق پرداخت و از طریق سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی برای فشار بر ایران اقداماتی را انجام داد.

نتیجه‌گیری

با اتمام بررسی و نتیجه به عمل آمده می‌توان اینگونه بیان کرد که جنگ تحمیلی در شرایطی به پایان رسید که دو کشور درگیر در آن نه تنها به لحاظ ظاهری شکستی کامل و همه جانبه را احساس نمی‌کردند بلکه حتی هر یک به نحوی احساس پیروزی نیز داشتند. اگر این واقعیت را مد نظر قرار دهیم درمی‌یابیم که مهم‌ترین هدف اتحاد شوروی در جنگ یعنی عدم شکست هر یک از دو کشور درگیر در جنگ و در درجه اول عراق، به خوبی محقق شده بود، رژیم‌های حاکم بر هر دو کشور از استقرار و ثبات لازم برخوردار بودند و حتی پیروزی خود در جنگ را برای مردم خود تبیین می‌کردند. حال اگر بپذیریم که اتحاد شوروی در مقوله حوادث سیاسی، نظامی و بین‌المللی جنگ نزدیک‌ترین و عملی‌ترین روابط را با هر یک از دو کشور دارا بوده است و این شرایط در پایان جنگ هم نه تنها بدتر نشده که در بسیاری موارد بهتر هم شده است، درمی‌یابیم که اتحاد جماهیر شوروی از رهگذر جنگ نه تنها با هیچ مشکلی در روابطش با ایران مواجه نشده، بلکه شرایط بهتری هم به دست آورده است. جالب توجه اینکه به رغم نقش بسیار بالای شوروی در جریان جنگ تحمیلی که بعد از دو کشور اصلی درگیر در جنگ بالاترین بوده است؛ این کشور همواره در طول جنگ چه به لحاظ دو جانبه و چه به لحاظ بین‌المللی از مهم‌ترین کشورهای تلاش‌کننده برای پایان دادن به جنگ و خونریزی نیز محسوب گردیده است.

به طور کلی می‌توان سیاست شوروی را وابسته به عواملی چون منافع ملی شوروی، درهم‌سویی‌های سیاسی (اعمال نفوذ در ایران و عراق و دور کردن این دو کشور از آمریکا)، منافع اقتصادی (فروش سلاح و تجارت غیر نظامی)، حفظ موقعیت منطقه‌ای خود، حل بحران افغانستان برای تأمین منافع خود و جلوگیری از رشد اسلام‌گرایی در مناطق اطراف و داخل، تحولات داخلی این کشور در حوزه رهبران سیاسی بین‌المللی و اولویت‌های منطقه‌ای و مشکلات سیاسی و اقتصادی، به ویژه در اواخر جنگ؛ سیاست‌های ایران درباره کمونیست‌ها و نیز سیاست‌های حکومت عراق درباره کمونیست‌ها و در مورد شوروی، آمریکا و در برابر غرب و متحدانش دانست.

پیشنهادات

با توجه به تهاجم نظامی عراق به ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ (شهریور ۱۳۵۹) که منجر به وقوع جنگ هشت ساله بین دو کشور شد، که در آخرین ماه‌های دوران ریاست جمهوری کارتر آغاز گردید و در دوران ریگان ادامه یافت و با توجه به اینکه سیاست مداران و دولتمردان آمریکایی به طبع نمی‌توانستند در قبال این رویداد بی‌تفاوت بمانند، چرا که اولاً جنگ در منطقه خلیج فارس جریان داشت، منطقه‌ای که دولت ایالت متحده آمریکا حداقل پس از سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰ ش) در آن دارای منافع اساسی بود. ثانیاً، سرنوشت جنگ با توجه به طرف‌های درگیر در آن برای آمریکا اهمیت

زیادی داشت، چرا که در یک سوی آن ایران قرار داشت که علی‌رغم اتحاد و دوستی عمیق با آمریکا در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، پس از این رویداد به دشمن اصلی آمریکا در منطقه مبدل شده بود و در سوی دیگر عراق، کشوری که از سال ۱۹۷۲ به بعد، نزد افکار عمومی غرب، متحد شوروی در این منطقه محسوب می‌شد و ثالثاً جنگ تحمیلی در زمان جنگ سرد به وقوع می‌پیوست و امکان بهره‌برداری ابرقدرت دیگر، برای افزایش نفوذ خود در منطقه و خلیج فارس وجود داشت، پیشنهاد می‌شود محققین محترم در مقاله‌های خود پیرامون، نقش و عملکرد یکی دیگر از دو قطب وقت جهان یعنی آمریکا بپردازند.

منابع

الف: منابع فارسی و وبگاه‌ها

- ۱- قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۶۰.
- ۲- امام خمینی روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام (۲۲-۱)؛ مجموعه آثار امام خمینی (ره)؛ (مجموعه بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و...)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۳- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۴- اردستانی، حسین (۱۳۸۷)، جنگ عراق و ایران: رویارویی استراتژی‌ها، تهران، دوره عالی جنگ.
- ۵- امیراحمدی، هوشنگ، «سیاست خارجی منطقه‌ای ایران (بخش اول)»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال هفتم، شماره ۱۱-۱۲ مرداد و شهریور، ۱۳۸۴.
- ۶- امیدوارنیا، محمد جواد، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۷، ۱۳۷۳.
- ۷- ایزدی، نعمت‌الله (۱۳۹۲)، عملکرد شوروی در جنگ تحمیلی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۸- استیل، جان‌اتان (۱۳۶۷)، سیاست خارجه شوروی در دوران برژنف، آندره پوف، چرنینکو، ترجمه بهمن آقایی، سعید میرزایی، تهران، انتشارات مؤسسه اطلاعات.
- ۹- اندیشمند، محمد اکرام (۱۳۸۳)، سال‌های تجاوز و مقاومت (۸۱-۱۳۵۷)، چاپ اول، کابل، نشر پیمان.
- ۱۰- پژوهش گروه جامی (۱۳۶۲)، گذشته چراغ را آینده است، تهران، انتشارات نیلوفر.
- ۱۱- جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۶۷)، بررسی اختلافات مرزی ایران و عراق، تهران، وزارت امور خارجه.
- ۱۲- حدیث ولایت، نرم‌افزار (۱۳۶۸)، مجموعه بیانات و پیام‌ها و رهنمودهای حضرت امام‌خامنه‌ای

(مدظله العالی)، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی).

- ۱۳- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۴)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت.
- ۱۴- درودیان، محمد (۱۳۷۴)، نبرد در شرق بصره، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران.
- ۱۵- درودیان، محمد (۱۳۸۰)، پرسش‌های اساسی جنگ، تهران، مؤسسه مطالعات سیاسی فرهنگی اندیشه ناب.
- ۱۶- درودیان، محمد (۱۳۸۳)، اجتناب ناپذیری جنگ، نقد و بررسی جنگ ایران و عراق، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۱۷- درودیان، محمد (۱۳۸۳)، آغاز تا پایان، سیری در جنگ ایران و عراق، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۱۸- رضانی، مهدی، «شیوه کاربردی کردن ارزش‌های دفاع مقدس برای مقابله با جنگ نرم»، دوفصلنامه دانش‌جهادی، دانشگاه افسری امام حسین (ع)، سال ششم، شماره ۱۵، ۱۳۹۴.
- ۱۹- روزنامه شجاعت، سرمقاله (۱۳۳۲/۵/۲۳)، تهران.
- ۲۰- رحمتی، مهدی، «روابط ایران و شوروی در دوره جنگ ایران و عراق (با تأکید بر مسئله افغانستان)»، فصلنامه نگین ایران، دوره ۹، شماره ۳۴، صفحه ۷۷-۹۴، ۱۳۸۹.
- ۲۱- رستمی محمود (۱۳۷۸)، فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۲- ریوگین، مایکل (۱۳۶۶)، حکومت و مسئله مسلمانان آسیای مرکزی شوروی، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۲۳- شاهقلیان قهفرخی، رضا، «چرایی و چگونگی پایان جنگ و تأثیر آن در پذیرش قطعنامه ۵۹۸»، فصلنامه جامع دفاع مقدس، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال اول، شماره ۲، ص ۱-۲۹، ۱۳۹۵.
- ۲۴- صدقی ابوالفضل (۱۳۸۶)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال ۶۸، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۵- صدری افشار، غلامحسین و حکمی، نسترن (۱۳۸۱)، فرهنگ معاصر فارسی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- ۲۶- فوزی، یحیی (۱۳۸۴)، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، جلد ۲، تهران، نشر عروج.

- ۲۷- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۸۹)، تحلیلی بر میزان کمک‌های مالی- تسلیحاتی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران، تهران، مرکز تحقیقات جنگ.
- ۲۸- کینگ، رالف (۱۹۸۷)، «جنگ ایران و عراق: مفاهیم سیاسی، نشریه آدلفی پیپر»، ترجمه: گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، شماره ۲۱۹.
- ۲۹- منقی، ابراهیم (۱۳۸۸)، نظام دوقطبی و جنگ عراق و ایران، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ۳۰- مستوری کاشانی، ناصر (۱۳۷۱)، افغانستان دیپلماسی دو چهره، چاپ اول، تهران، نشر ایران‌شهر.
- ۳۱- موری، انکین (۱۳۷۴)، ترجمه الهه کولایی، راهبرد، شماره ۷، ۹۰.
- ۳۲- نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی- امنیتی، تهران، سنا، مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت.
- ۳۳- ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد در وبگاه: <https://www.fa.wikipedia.org>.
- ۳۴- یکتا، حسین (۱۳۷۳)، «مواضع قدرت‌های بزرگ و جنگ ایران و عراق»، مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- 35- Amosll John, W. (1984) "The Iraq-Iran war. Conflict, Linkage and spill over in the Middle East", in Robert G. Darius. John W. Amosll. Ralph. Magnus, (Ed), Gulf Security in to the 1980s: Perceptual and Strategic Dimensions. Stanford, Hower Institute Press.P.65.
- 36- Azhary, M. S. (1984) "The Iran-Iraq War", New York, St Martin's Press.
- 37- Boyle, F. A. (1993) "International Crisis and Neutrality: U.S. Foreign Policy towards the Iran-Iraq War", in A. T. Leonard (Ed), Noutrality, Changing Concepts and Practices, Oxford, University Press.
- 38- Cordesman, A. H. and Abraham R. W. (1990) the Lessons of Madern Wars (The Iran-Iraq War), Boulder, Westview Press.
- 39- Evans David and Richard Company (1984). "Iran-Iraq: Bloody Tomorrows", U.S. Naval Institute Proceedings, January, p40.
- 40- Kolodziej, E. A. and Kanet, R. E. (1989) "The Limits of Soviet Power in the Developing World", the john Hopkins University, Press Baltimor. p 264.
- 41- King, J. "Arming Iraq: A Chronology of U.S. Involvement", March 2003, Available at: www.iranchamber.com/history/articles/arming_iraq.php.

The Role of the Soviet Union in the Iraq’s Imposed War Against Iran

R. Shahgholian Ghahfarkhi

Abstract

In the constitution of the Islamic Republic of Iran, the principles of foreign policy are explicitly stated. One of these principles is ‘No to the east and no to the west’ according to which Iran denied any dependence on the two superpowers of the time, the US and the Soviet Union, and emphasized its independence in its positions and foreign policy. With this introduction, the purpose of this article is to examine the role of the Soviet Union in the Iraq’s imposed war against Iran. Based on the nature of the title of the article and to answer the question of it, in this research, descriptive-analytical method has been used to study the subject and in terms of research type, it is in the category of theoretical-applied research. The method for collecting data is also by means of the library, documents and Internet resources. By analyzing and answering the question of this article, which is "the role of the Soviet Union as one of the superpowers of the time in the Iraq’s imposed war on Iran", it can be said that the main factor in establishing a war between Iran and Iraq was the two great superpowers, the West and the East, who viewed the revolution that had formed in Iran as a great threat to their aims. Thus, they entered the war with Iran through Iraq. The foreign relations of Iran and the Soviet Union during the years 1359 to 1367 can be described in three distinct periods: 1- the first three years of the imposed war, 2- from the release of Khoramshahr to the empowerment of Gorbachev, and 3. Since Gorbachev to the end of the war. This paper was to analyze these three periods. The results of the research indicated that the Soviet Union had always been among the most important countries trying to, both bilaterally and internationally, give an end to the war and bloodshed during the Iraq’s imposed war against Iran.

Keywords: the Soviet Union, superpower, Iraq’s imposed war against Iran, Holy defense.